

ایران و اسلام

در نشریه آلمانی زبان اشپیگل

اشپیگل سال ۱۹۵۷ میلادی = ۱۳۳۶ خورشیدی - شماره ۱۵، صفحه ۲۴ و ۲۵

کنسرسیومها!...

«نگرانی از اوضاع میادین نفتی خام!...»

دیدار رسمی صدر اعظم آلمان غربی از پایتخت ایران، در مرکز شرکتهای بزرگ نفتی، زنگ خطر را به صدا درآورده بود و تا اواخر هفته پیش نیز - پس از بازگشت آدنauer - هنوز هم ادامه داشت!... قطبهای نفتی ترس دارند که مبادا آدنauer درباره کمکهای فنی، به منظور استخراج نفت قم، به «شاه» قولهایی را داده باشد!...
نفت خام میادین نفتی قم که حدود چند ماه پیش کشف شده است (اشپیگل شماره ۱، سال ۱۹۵۷) و یکی از مراکز مهم ذخیره نفت دنیا به شمار می رود، چند هفته ای است ابرقدرتها و قدرتهای متعدد دیگر را بر آن داشته است، که برای استخراج نفت این چاهها به رقابت برخیزند و نظر دولت ایران را به کمکهای خود جلب کنند.

شاه در نظر دارد از چاههای نفتی قم که به شرکت ملی نفت ایران تعلق دارد، برای پیشرفت و ترقی کشور خویش بهره زیادی ببرد، اما ایران چنان سرمایه در اختیار ندارد که بتواند هزینه ساخت خط لوله، انبار، پالایشگاه و تاسیسات استخراج نفت را تحمل کند. شرکتهای بزرگ نفتی امریکایی و انگلیسی که در جنوب غربی ایران مشترکاً نفت استخراج می کنند، تمایل زیادی دارند که طرح نفت قم را به مرحله اجرا درآورند، اما

این کار خدمتی به شاه نیست، چرا که کنسرسیومهای بزرگ نفتی - مقامات دولت ایران چنین هراسی دارند - با توجه به علائق سیاسی و استراتژیک کلی کشورهای خود، استخراج نفت را محدود می‌سازند و نتیجتاً ایران هم به درآمندی که در انتظار و توقع اوست، نخواهد رسید.

سردمداران و مدیران تولید نفت جهان، به هنگام بحران آبادان، که دکتر محمد مصدق، شرکتهای نفتی انگلستان را از ایران بیرون انداخت، سطح استخراج و تولید نفت را در کشورهای همسایه ایران، یعنی عراق، عربستان سعودی و کویت بالا بردند. زمانی که شاه، پس از سقوط مصدق به ایران بازگشت و شرکتهای نفتی بیگانه مجدداً اجازه استخراج نفت را در جنوب ایران به دست آوردند، کشورهای عرب، تولید نفت خود را پایین نیاوردند، تا ایران نیز نتواند عواید مناسبی را حاصل خویش کند، تا آنجا که هم‌اکنون تولید و استخراج نفت ایران، ۲۰% کمتر از زمان پیش از ماجرای جنجال برانگیز مصدق است.

برای جلوگیری از زیان بیشتر و تقویت بینه مالی خزانه کشور و اجرای طرحهای عمرانی و اقتصادی، شاه تصمیم گرفته است، تولید نفت ایران را بیشتر کند. او پیش از هر چیز دیگری می‌خواهد موضع شرکت ملی نفت ایران را تقویت کند، به همین جهت طرحی ریخته است که بر اساس آن، کشورهای اروپای غربی می‌توانند برای استخراج و تولید نفت خام ایران در حوزه قم سرمایه‌گذاری کنند. بر اساس قرارداد معاملاتی، کشوری که برای اجرای این طرح سرمایه‌گذاری کند، در آینده خود خریدار اصلی همان نفتی خواهد بود که در استخراج آن شرکت داشته است.

سریعتر از هر کشور دیگر «شرکت ملی نفت و گاز متان ایتالیا» - Ente Naziole Idro Carburanti Italian Company - بود که حاضر شد در اجرای طرح مزبور شرکت کند!

مدیر عامل شرکت نامبرده، آقای «انریکو ماتای» - Enrico Mattei - پنجاه ساله، فوراً به تهران رفت و با مدیرعامل شرکت نفت ایران، آقای سهام سلطان بیات، درباره تاسیس «شرکت نفت مشترک ایران - ایتالیا» به مذاکره پرداخت. در بند چهاردهم قرارداد، که وسیله هر دو مدیرعامل مذکور بسته شده است، شرکت نفت «E.N.I.» متعهد گردیده است که:

«تا مرز واقعی نفت مورد نیاز داخل ایتالیا نفت قم ایران را بخرد!...»

سال پیش، ایتالیا نیم میلیون نفت خام از ایران وارد کرد، در حالی که بیش از هفده میلیون تن نفت خام از سایر کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه خرید.

کنسرسیومهای بین‌المللی، که دو سوم نفت تصفیه شده آنها از طریق ایتالیا تأمین می‌شود، اکنون از آن می‌ترسند که دولت ایتالیا آنان را مجبور کند، نفت خام قم ایران را از طریق «شرکت E.N.I» بخرند و تصفیه کنند. از این رو کنسرسیومهای بزرگ نفتی، به گونه‌ای گسترده مجبور شدند که نفت خود را که از خاورمیانه تأمین می‌کنند، در ایتالیا پالایش کنند و محصولات نفتی را بنابر نظر ایران، در ایتالیا و سایر کشورهای غربی اروپایی بفروشند.

«مدیر عامل E.N.I» از قراردادی که با ایران بسته است چنین دفاع می‌کند: «اکنون این امکان فراهم آمده است، که بهای نفت تعیین شده از سوی کارتل شرکت‌های بین‌المللی نفت، شکسته شود...»

نشریه «Rom Daily Amencam» که در رم انتشار می‌یابد، خبرهایی را از نیویورک در هفته قبل چاپ کرد که:

«بر اساس آن، وزارت امور خارجه آمریکا، از سوی محافل مالی نیویورک، تحت فشار قرار گرفته است تا علیه قرارداد آقای ماتای که با ایران منعقد ساخته است، به مخالفت برخیزد!...»

آدنائر چه قولی به شاه داده است؟

قطب‌های نفتی در لندن و نیویورک به این مسئله خوشبین هستند که:

ایتالیا از لحاظ مالی قادر نیست طرح بزرگ استخراج نفت میدین قم را به مرحله اجرا درآورد. تنها طرح اجرای خط لوله از طریق ترکیه و گذراندن آن از سلسله کوه‌هایی به ارتفاع سه هزار متر، به بندر اسکندرون یا خلیج فارس، حدود ۱/۳ میلیارد مارک آلمان غربی هزینه برمی‌دارد، که ایران و ایتالیا قادر به تأمین این پول نیستند.

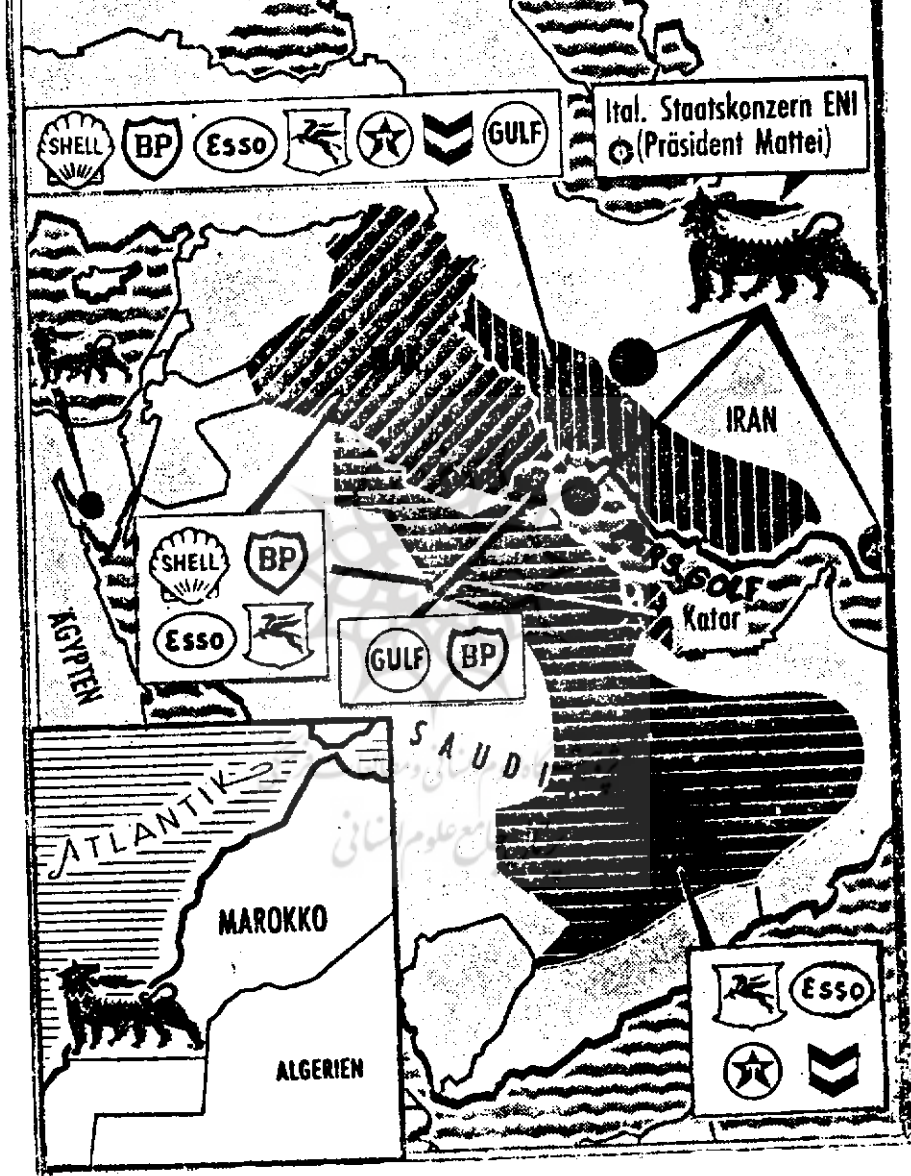
به نظر شرکت‌های بین‌المللی نفت، تنها کشور اروپای غربی، آلمان باختری است که می‌تواند از پس چنین سرمایه‌گذاری بزرگی برآید و به همین دلیل است که:

ناظران انگلیسی و امریکایی، زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند، که مبدا از طرح بزرگ نفت قم، شاه و آدنائر در مذاکرات خویش، سخن به میان آورده باشند.

پس از آنکه نخستین مطالب درباره شرکت احتمالی آلمان غربی در ساخت خط لوله و ارسال اجزای تشکیل دهنده کارخانجات به ایران، در نشریات گوناگون چاپ شد، نمایندگان شعبات شرکت‌های نفتی بیگانه در آلمان باختری به وزارت خارجه بن هجوم آوردند. نمایندگان شرکت‌های مذکور، زمانی در انتظار اعلام نتیجه مذاکرات شاه و آدنائر

Matteis Vorstoss zum Reich der Sieben

ÖL-KONZESSIONEN im Nahen Osten



برنامه ریزی ماتانی برای شکار پلنگ نفت قم

هستند، که شایع شده است آدنائر واگذاری وامی را به مبلغ یکصد میلیون مارک به شاه پیشنهاد کرده است، ولی در بن، این موضوع تکذیب شد. سرپرست بخش بازرگانی وزارت امور خارجه آلمان غربی، با احتیاط و اندکی شرمندگی اعلام کرد:

«بین شاه و آدنائر فقط توافق شده است که هیئتی از کارشناسان نفتی آلمان به ایران اعزام شوند!... ضمناً قرار است، دولت آلمان غربی با شرکای اروپایی خود، دربارهٔ امکان ایجاد یک شرکت مختلط برای استخراج نفت قم مذاکره کند!...»

با تمام این احوال، انگلیسیها هنوز هم نسبت به ماهیت قضیه بدبین هستند. آنان نمی‌توانند از یاد ببرند که شرکتهای نفتی انگلیسی تا پیش از ماجرای مصدق به گونه‌ای گسترده و نیرومند بر چاهها و تولیدات نفتی ایران فرمانروایی داشته‌اند!... در این اواخر، تمام نشریات انگلیسی، بلا استثناء خوانندگان خویش را هشدار می‌دهند که:

آلمان غربی با استفاده از «سیاست بی‌رنگ» خود ساختار و زیربنای دیگر ملتها را مورد تهدید قرار می‌دهد.

نشریهٔ «آبزرور» حتی تصویری از یک هیولا به نام «محور» در یکی از شماره‌های خود چاپ کرده است و بدون توجه به مسؤلیت مطبوعاتی خویش، زبر این تصویر نوشته است:

«ایتالیا، آلمان و ژاپن هنوز هم با یکدیگر متحد هستند و تصمیم دارند طرح خط لولهٔ قم را به مرحلهٔ اجرا در آورند!...»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. آنچه در این مرحله مهم است اینکه: ایتالیا و آلمان و ژاپن، همان سه دولتی هستند که جنگ دوم جهانی را با عنوان «دول محور» برپا کرده بودند!...